

- پوشش می‌دهند و معمولاً بیش از حد به آنها توجه می‌شود. من بیشتر روی موضوعات عادی متمرکز هستم و سعی می‌کنم ابعاد خارق‌العاده موضوعات معمول را عکاسی کنم.
- *آیا عرصه عکاسی در طی سال‌های گذشته، به خصوص در عصر دیجیتال، تغییرات زیادی داشته است؟*
- در گذشته می‌توانستید استاد باشید! فقط با عکسی دقیق، نور خوب و با تنظیم فاصله درست. امروز دوربین‌ها بطور اتوماتیک این کار را انجام می‌دهند. در این مقطع مسئولیت تفکر در خصوص اینکه چرا تصاویر را می‌آفرینید و آن را با دیگران شریک می‌شوید بر عهده اساتید است. در زمان و مکان صحیح قرار گرفتن دیگر برای عکاسی خلاق کافی نیست. بعد دیگری باید به آن اضافه شود: عکاس به عنوان هنرمند! عکاسی دیجیتال، با افزایش تعداد عکس‌های گرفته شده، این فرآیند را تسریع می‌کند.
- *نظر شما درباره عکاسی سیاه و سفید چیست؟*
- چیز خاصی نیست. اما می‌توانم بگویم که گاهی اوقات برای بدست آوردن عکس‌های خارق‌العاده به آن پناه می‌برم. بسیار ساده است که از موضوعات خارق‌العاده عکس‌های عادی بگیریم ولی تلاش زیادی لازم است تا بتوانیم از موضوعات عادی، عکس‌های خارق‌العاده‌ای بگیریم. عکاسی سیاه و سفید جذابیت خاصی برایم ندارد. من عکاس رنگی‌ام. عاشق تماشا کردن عکس‌های سیاه و سفیدم و فقط زمانی که لازم است عکس سیاه و سفید می‌گیرم. ولی از ابتدا به سیاه و سفید فکر نمی‌کنم. اگر به گرافیک عکس سیاه و سفید (جدا از محتوای آن) نگاه کنیم، مقایسه عکس رنگی کامل با عکس سیاه و سفید بسیار مشکل خواهد بود. چرا که عکس سیاه و سفید سطوح رنگی را خنثی کرده و ممکن است در این صورت با رنگی سازگار نباشد.
- *چه عواملی در انتخاب رنگی یا سیاه و سفید در عکاسی پروژه شما موثرند؟*
- همیشه رنگی می‌گیرم. بعداً عکس‌هایی را که قابلیت آن را دارند، سیاه و سفید می‌کنم. اگر قرار باشد در شرایط نوری سختی کار کنم، سیاه و سفید را ترجیح می‌دهم. چرا که گرین و نویز حاصله، بیشتر با سیاه و سفید منطبق است تا رنگی؛ و این همان دلیلی است که عکاسان مستند بیشتر از سیاه و سفید استفاده می‌کنند.
- *چه نوع عکاسی برای شما جذاب‌تر است؟ در چه عرصه‌ای بیشتر کار می‌کنید؟*
- عکاسی من چیزی مابین عکاسی شهری و عکاسی کانسپچوال است. برخی از کارهایم در سبک کار مدرسه عکاسی دوسلدورف آلمان است، که برند وهیلا بچر آغازگر آن هستند. به عنوان عکاس هنری به عرصه سفر، طبیعت و ژورنالیسم علاقه‌ای ندارم گه‌گاهی این نوع عکاسی را هم می‌کنم. و فقط در آرشیو برای فروش نگاه می‌دارم.
- *ممکن است انواع مختلف عکاسی، مانند طبیعت، مردم، ژورنالیسم ... را تعریف کنید؟*
- عکاسی طبیعت برایم مانند آموزش نقاشی اکسپرسیونیسم است. تحت تاثیر طبیعت قرار می‌گیرید بخاطر آنچه که طبیعت به شما انتقال می‌دهد و مایلید که آن را با دیگران شریک شوید. این را خیلی خلاق نمی‌بینم؛ طبیعت می‌آفریند و شما شاهد آن هستید، مشاهده می‌کنید. بهترین عکس‌های طبیعت توسط عکاسانی چون آنسل آدامز گرفته شده، اما از آنجا که طبیعت بهتر نمی‌شود، نمی‌توان تصاویر بهتری آفرید. در حقیقت بدتر هم می‌شود، که خود ما آن را نابود می‌کنیم... عکاسی از مردم شیرین است. گاهی مردم در عکس‌هایی هستند که زیاد به آنها فکر نشده است، چرا که عکس‌هایی که مردم در آنند، بنابر پیش‌داوری‌هایی که در عکاسی از مردم است، می‌بایستی "زیبا" باشند. من با این تصویر محدود ناپسند "عکسهایی که در آن انسان حضور ندارد، عکاسی نیست" موافق نیستم. در درصد بسیار زیادی از عکس‌های معاصر، مردم را نمی‌بینید. باید درک کرد که ردپای انسان در عکس‌هایی که در آن نیستند پنهان است؛ برای درک روایت زندگی، نباید مردم را در عکس ببینید. و گاهی، اگر مردم در عکس نباشند، بیننده راحت‌تر روایت زندگی را می‌آفریند، چرا که مدارک کافی جهت آنچه که می‌گذرد